

نگاهی به زندگی و شخصیت مرحوم آیت‌الله فاطمی‌نیا

عارف شیرین سخن

۲

دقایقی همراه با خادم‌ان خواهر حرم حضرت رضا(ع)

بانوان بلندهمت

از هر ورودی که پا به صحن و سرای حرم آقا بگذاری خدمه‌ای را می‌بینی که در کمال تواضع و با چهره‌هایی بشاش در حال انجام وظیفه‌اند. یکی مأمور انتظامات است و دیگری کفشدار. به گرمی پاسخ سلامت را می‌دهند و حضورت را خوشامد می‌گویند. برایشان فرقی نمی‌کند که در کجا مشغول خدمت هستند؛ چوب‌پر به دست بگیرند و به زائران خوشامد بگویند و یا در حال جمع‌آوری گرد و غبار یا پوست شکلاتی که احتمالاً از دست کودکی به زمین افتاده. اگر بیرون از این مکان دارای پست و مقامی باشند اما اینجا که می‌آیند کسی برای خود عنوان و سمتی قائل نیست. «صفیه خانی» از خادمیاران ...



پدیده غرورناز، عکس رضوی



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۳۳۶ |

حجت‌الاسلام واعظ موسوی از شاخصه‌های علمی آیت‌الله فاطمی‌نیا می‌گوید

سطح منبر را ارتقا داد



در نشست تخصصی نمایشگاه کتاب تهران بررسی می‌شود

راهکارهای توسعه انتشارات آستان قدس رضوی در عرصه بین‌الملل

روایت آیت‌الله فاطمی‌نیا از عطوفت و رأفت امام رضا(ع) چه بود؟

راوی مکتب

«احسان و محبت»

توصیه آیت‌الله فاطمی‌نیا به وعاظ و مداحان چه بود؟

حاصل ۵۰ سال منبر رفتن

منبر مجازی

قلبی را شاد کن



آیت‌الله فاطمی‌نیا | همه ما امید حیات داریم. باید به زندگی امید معقول داشت. امید معقول غیر از آرزوهای هیچ و پوچ است. شما در آرزوی کار معقولی باشید مثلاً کاری کنید؛ خیریه بسازید. مدرسه بسازید. آرزوی باقیات صالحات و... دارید. آرزوی معقول (امل) دارید. ان‌شاءالله به نتیجه برسید. در نهج‌البلاغه آمده است: «الا و انکم فی ایام امل من ورائه اجل» اما بدانید آخرش اجل است.

این را در نظر بگیرید، از این ایام استفاده کنید. هر کس در همین مهلتی که دارد کاری که قبل از اجلس انجام دهد به او سود می‌رسد و اجل هم ضرری به او نمی‌رساند. کسی در این ایام آرزوی کوتاهی کند مثلاً فقط بخورد و بخوابد در عملش زیانکار شده است. بعضی‌ها از عمرشان خیلی استفاده کردند. سیدرضی ۴۳-۴۲ سال بیشتر در این دنیا زندگی نکرده است. این آدم در این عمر کم چقدر کار کرده است.

انسان مادی فکر می‌کند مردیم تمام شد خیر! مردن تمام شدن نیست. مردن به گشایش رسیدن و از قفس پریدن است. صاحب نفوس مستعده که می‌میرند دستشان از این دنیا بازتر است. وهابی‌ها نمی‌فهمند که می‌گویند سر این قبرها می‌آید چه کار کنید؟ اهل تحقیق گفته‌اند صاحب نفوس مستعد دستشان بازتر است.

فرض کنید مسجد و حسینیه را می‌خواهند نقاشی کنند؛ بشکه و تخته و سطل می‌گذارند کسی می‌خواهد بیاید می‌گویند آن طرف‌تر بایست. وقتی این تیر و تخته را بیرون بردند دستشان بازتر می‌شود. بنده می‌دانم یقیناً این طور است؛ آنجا عالم کشف غطاء است. اینجا عالم گرفتاری است.

روایتی دیدم از ثواب‌الاعمال شیخ صدوق (رضوان الله علیه) نقل شده است که می‌فرماید: وقتی مؤمن را در قبر می‌گذارند، صورت زیبایی وارد قبر می‌شود. می‌گوید: بستگانت تو را گذاشته‌اند و رفته‌اند، نترس! من با تو هستم. این صورت زیبا با او صحبت می‌کند در طول برزخ و انس می‌گیرد. قیامت می‌شود مؤمن از قبر بیرون می‌آید دوباره صورت زیبا می‌گوید از سروصداهای هولناک نترس! من با تو هستم تا آنکه صورت زیبا او را به بهشت می‌رساند این گفتار از حضرت صادق(ع) است. در آخر کار مؤمن می‌گوید تو چه کسی بودی؟ خدا رحمت کند! می‌فرماید: «انا السروالذی ادخلت فی قلب اخیک المؤمن» می‌گوید من آن شادی بودم که در قلب برادر مؤمنم وارد کردی.

لبه قبابی ما را بوسه می‌زدند». گزارش کلاویخو مربوط به حدود ۶۱۸ سال پیش است و اطلاعات عجیب و تکان‌دهنده‌ای را در بر می‌گیرد. در این دوره، مذهب شیعه هنوز مذهب رسمی کشور نیست، اما حرمت زائر امام رضا(ع) در اقصی نقاط ایران رعایت می‌شود و با وی بسان مرد محترمی که از حج برگشته باشد، برخورد می‌کنند. نکته دیگر، شهرت امام رضا(ع) به «سلطان خراسان» است که خبر از قدمت این لقب می‌دهد و نشان‌دهنده این است که اطلاق این عنوان به آن حضرت، مربوط به دوران قدرت گرفتن صفویه در ایران نیست. روایت کلاویخو نشان می‌دهد تکریم جایگاه زائر در قالب مراسم‌های خاص و برگزاری

از ارائه عرض حال دوستان و آشنایان به حضرت ثامن‌الحجج(ع) می‌داد و آن‌ها را با گفتن این روایت، خوشحال و خرسند می‌کرد.

■ گزارش ویژه یک جهانگرد اسپانیایی

یکی از نمونه‌های جذاب در این زمینه را می‌توان در سفرنامه «کلاویخو»، جهانگرد اسپانیایی که در سال ۸۰۷ق / ۷۸۳هـ برای دیدار با امرای تیموری وارد ایران شد و از شهر مشهد نیز عبور کرد، دید. او درباره وضعیت شهر مشهد و حرمت زائران حرم رضوی می‌نویسد: «راندیدم تا رسیدیم به شهر مشهد یعنی محل شهادت امام رضا که به نام سلطان خراسان



زائر پیش از عزیمت به مشهد، به دیدار دوستان و آشنایان می‌رفت و از آن‌ها حالیت می‌طلبید؛ البته خدا حافظی برای عزیمت به سفر، امری عادی بود، اما معمولاً خویشان و آشنایان پیش از آغاز سفر زیارتی، از زائر التماس دعا داشتند و از وی برای عرض حاجت در حرم مطهر قول می‌گرفتند.

آن‌ها در شهرهای مختلف، ابداً سنتی تازه تأسیس یا مربوط به چند قرن گذشته و ایام رسمی شدن مذهب حقه شیعه در ایران نیست و اجداد ما صرف نظر از هر مذهب اسلامی‌ای که داشته‌اند، از دیرباز برای زائران حرم رضوی احترام ویژه قائل بودند و برای تکریم وی، برنامه‌های خاص تدارک می‌دیدند. بنابراین، آنچه امروز در شهرها و روستاهای دور و نزدیک در این زمینه می‌بینید، ریشه در سنتی دست‌کم هزار ساله دارد که احیای آن می‌تواند نقش مهمی در توسعه فرهنگ رضوی و اهتمام به فرهنگ زیارت در اقصی نقاط ایران و حتی جهان داشته باشد.

مشهور است و آرامگاهش در آنجا قرار دارد ... وی در مسجدی بزرگ و در تابوتی (صندوقی) که در نقره و طلا گرفته شده، مدفون است. مشهد شهر عمده زیارتی همه این حوالی است و سالانه گروه بی‌شماری به زیارت می‌آیند. هر زائری که به آنجا رفته باشد چون بازگردد همسایگانش نزد او می‌آیند و لبه قبابی وی را می‌بوسند، چون دریافته‌اند که وی از زیارت چنین محل محترمی بازگشته است. چون به این شهر رسیدیم، ما را برای زیارت این مکان مقدس و آرامگاه بردند. سپس چون در ایران راه می‌پیمودیم و بر سر زبان‌ها افتاده بود که ما به زیارت مشهد مشرف شده و آن مکان مقدس را دیده‌ایم، مردم همه می‌آمدند و

محمد حسین نیکبخت | از قدیم «مشهدی» یا «مَشْدی» به کسانی می‌گفتند که افتخار سفر به مشهد مقدس و زیارت بارگاه ملکوتی ثامن‌الحجج(ع) را داشته یا اینکه مجاور آن آستان مقدس بوده‌اند. در فرهنگ ایرانیان، از دیرباز شأن زائر امام رضا(ع)، عالی و جایگاه وی به دلیل یافتن افتخار عتبه‌بوسی آن امام همام، رفیع بوده است. هنوز هم در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران، رد و نشانی از مراسمی که برخی آن را «چاوش‌خوانی» می‌نامند، وجود دارد؛ مراسمی که برای زائران بیت‌الله الحرام، کربلای معلی و نجف اشرف و همچنین زائران امام رضا(ع) برپا می‌شود؛ خانواده، قوم، خویش و همسایه‌ها به پیشواز زائر بازگشته از سفر می‌روند یا در مراسم بدرقه او شرکت می‌کنند؛ یک مداح خوش‌صدا، اشعاری را در مدح اهل‌بیت(ع) می‌خواند که معمولاً در برگرفته محتوای مناسب با مکان زیارت زائر است. برخی از مورخان، این مراسم خاص و ویژه را که برای تکریم جایگاه زائر ترتیب داده می‌شود، مربوط به سده‌های اخیر می‌دانند، در حالی که شواهد تاریخی، جز این است و می‌شود ردپای چنین برنامه‌های معنوی‌ای را دست‌کم تا هزار سال قبل پی گرفت.

■ گزارش شیخ صدوق

شیخ صدوق در کتاب ارجمند «عیون اخبارالرضا(ع)» ضمن بیان ارج و قرب زائر حرم رضوی، اشاراتی به برخی مراسم دوران معاصر خودش (یعنی حدود هزار سال پیش) دارد؛ بر پایه گزارش او و البته آنچه درباره سفر زیارتی‌اش به مشهد آورده است، زائر پیش از عزیمت به مشهد، به دیدار دوستان و آشنایان می‌رفت و از آن‌ها حالیت می‌طلبید؛ البته خدا حافظی برای عزیمت به سفر، امری عادی بود، اما معمولاً خویشان و آشنایان پیش از آغاز سفر زیارتی، از زائر التماس دعا داشتند و از وی برای عرض حاجت در حرم مطهر قول می‌گرفتند. چنان‌که رکن‌الدوله دیلمی در دیدار خدا حافظی شیخ صدوق، از وی قول گرفت سلامش را به امام رضا(ع) برساند و حاجاتش را نزد آن حضرت مطرح کند. نمونه‌های متعددی از چنین رفتارهایی در کتاب‌های تاریخی دوره‌های بعد به ویژه از عصر تیموری به این سو قابل مشاهده است. زائر پس از بازگشت نیز باید گزارشی

رقیه توسلی | می‌نشینم و نگاهش

می‌کنم. خبر است. نه مثل ده‌ها و صدها خبری که در طول روز هول هولی یا می‌جومشان یا به روخوانی تیتراژشان بسنده کرده، رد می‌کنم بروند. عکس خبر جار می‌زند؛ غمی از نو، غمی از نو... چشم می‌بندم و تمرکز می‌کنم تا صدای «حاج آقا فاطمی‌نیا» بیچید توی سرم. همان کلمات محترم و مهربانی و جملات ارجمندی که برای موعظه و خطابه لایق پامنبری‌ها می‌دانست.

نمی‌دانم از کجا صدای دعای ابوحزمه

نیمکت زندگی



خدا حافظ

«شیخ خدا»